



**QUALITATIVE CONTENT ANALYSIS OF DR. SOHA'S BOOK
"CRITIQUE OF THE QURAN"
(EMPHASIZING THE AUTHOR'S INTELLECTUAL FOUNDATIONS)**

Mohammad Arab Salehi ¹
Farideh Pishvaei ²

Abstract

The book "Critique of the Quran" written by Dr. Soha has been published in cyberspace in recent years. The author of the book is unknown, then again it's unknown whether he is a person or a group, Muslim or non-Muslim. In any case, according to the author or authors, there are certain doubts in the Qur'an. This highlights the need to pay attention to the critique of this book. In the meantime, more than a case-by-case response to doubts, it is necessary to identify and critique the intellectual foundations of the author or authors of this book that form the foundations of doubts. In this research, by the method of qualitative content analysis with a conventional approach, the hidden or invisible themes indicating the intellectual foundations that form doubts are revealed. The research findings show 7 categories of using unreliable sources, imposing personal views, proposing blasphemous beliefs, denying the principles of belief, scientism and scientific expansionism, not providing scientific and sound documents and not being familiar with the rules of the Qur'anic sciences and its interpretation are the result of a combination of 14 concepts. These concepts resulted from signs. Then from the connection of signs, concepts and categories, the main themes, ie interpretation by personal opinion, the apostasy of the author, the formal rationality of the modern world and the lack of scientific standards of interpretation are obtained. Many doubts can be answered jointly by referring to the obtained categories and themes.

Keywords: Quran Criticism, Soha, Content Analysis, Basics, Doubt.

1. Associate Professor, Department of Logic, Understanding Religion, Institute of Islamic Culture and Thought | salehmasrabad@yahoo.com

2. Level four courses of comparative interpretation of Masoumiyah Theological Higher Education Institute | fpishvaei@gmail.com (Responsible author)



تحلیل محتوای کیفی کتاب «نقد قرآن» دکتر سها

(با تأکید بر مبنایفکری مؤلف)

محمد عرب صالحی^۱

فریده پیشوایی^۲

چکیده

کتاب «نقد قرآن» نوشته دکتر سهاست که در سال‌های اخیر در فضای مجازی منتشر شده است. نه نویسنده کتاب شناخته شده و نه معلوم است که یک شخص است یا یک لجنه، مسلمان است یا غیرمسلمان. به هر روی به زعم نگارنده یا نگارندگان آن، شبهاتی به قرآن وارد است. این مسأله ضرورت توجه به نقد این کتاب را روشن می‌سازد. در این میان بیش از پاسخ موردی به شبهات، شناسایی و نقد مبانی فکری نگارنده یا نگارندگان این کتاب که بنیان‌های شبهات را شکل می‌دهند، ضروری می‌نماید. در این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی، تم‌ها یا همان مضامین نهفته و ناپیدای دال بر مبانی فکری شکل‌دهنده شبهات آشکار می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۷ مقوله بهره‌گیری از منابع غیر معتبر، تحمیل دیدگاه‌های شخصی، طرح اعتقادات کفرآمیز، نفی اصول اعتقادی، علم‌زدگی و ساینیسم، عدم ارائه مستندات علمی و متقن و عدم آشنایی با قواعد علوم قرآن و تفسیر، حاصل ترکیب مفاهیمی ۱۴ گانه است. این مفاهیم از نشانه‌ها منتج شدند. از پیوند نشانه‌ها، مفاهیم و مقولات، تم‌های اصلی یعنی تفسیر به رأی، ارتداد نویسنده، عقلانیت صوری دنیای مدرن و فقدان استانداردهای علمی تفسیر به دست می‌آید. با استناد به مقولات و تم‌های به دست آمده می‌توان به صورت مشترک به بسیاری از شبهات پاسخ داد.

واژه‌های کلیدی: نقد قرآن، سها، تحلیل محتوا، مبانی، شبهه.

^۱ دانشیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی | salehnasrabad@yahoo.com

^۲ سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (نویسنده مسئول) | fpishvaei@gmail.com

۱. مقدمه

«نقد قرآن» نوشته دکتر سهاست که در سال‌های اخیر با ویراست جدید به صورت گسترده در فضای مجازی منتشر شده است. به زعم نگارنده یا نگارندگان این کتاب، اشکالاتی به قرآن وارد است. فایل دیجیتال این کتاب در دسترس همگان هست و به صورت ویژه مورد توجه دانشگاهیان و دانش‌پژوهان حوزه علوم قرآن قرار گرفته و احیاناً شبهه‌اتی نیز ایجاد کرده است. این مسأله ضرورت توجه بیشتر به آن را روشن می‌سازد. در پاسخ به این کتاب آثاری منتشر شده، اما رویکرد غالب آثار پاسخ‌موردی به شبهات است که در جای خود صحیح است؛ اما سؤالی که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی بدان است، این است که بنیان‌های فکری نگارنده یا نگارندگان این کتاب که شبهات از آن‌ها منتج شده‌اند، چیست؟ و چه مضامین ناپیدا و نهفته‌ای در این متن بر آن‌ها دلالت دارند؟

به دنبال انتشار کتاب «نقد قرآن» در فضای مجازی، تلاش‌های زیادی در رد و پاسخ به این کتاب نوشته شد؛ از جمله کتاب «بررسی مبانی نقد قرآن دکتر سها» تالیف آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و کتاب «دفاع از قرآن» آقای محمد باقری. علاوه بر آن، پایان‌نامه‌هایی در سطح دکتری، سطح ۴ حوزه و کارشناسی ارشد به انجام رسیده و مقاله‌هایی نیز با همین مضمون منتشر شده است. مهمتر از همه این‌ها، کتابی است که اهل سنت در رد این کتاب نوشته‌اند که با عنوان «کشف نیرنگ و بهتان در پاسخ به نقد قرآن» توسط گروه عبادالرحمان منتشر شده و به تمام شبهات آن پاسخ داده است.

گفتنی است تمام این پژوهش‌ها درصدد پاسخ‌گویی محتوایی به شبهات و اشکالات مطرح در این کتاب می‌باشند؛ ولی محتواهای پنهان این کتاب استخراج نشده است. بنابراین تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های پیشین، بررسی و کشف لایه‌های پنهان و ناآشکار این متن است.

۱-۱. روش تحقیق

تحلیل محتوا امروز در ارتباطات اجتماعی از جمله تحلیل پیام‌های ارتباطی نوشتاری، حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی کاربرد و پیشینه دارد (ر.ک: درانی، ۱۳۷۴: ۲۷-).

۲۵). این فن، تحقیقی از روش‌های مهم اسنادی است که به وسیله آن می‌توان هر سند ثبت شده‌ای را مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار داد. برخی معتقدند تحلیل محتوا باید تا حد تحلیل و تفسیر عناصر نهفته در متن هم پیش رود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۵-۹۳). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. این تحلیل به محققان اجازه می‌دهد اصالت داده‌ها را به گونه‌ی ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. براساس نظریه‌ی شی‌یه و شانون^۱ می‌توان رهیافت‌های موجود در تحلیل محتوا را به تحلیل محتوای عرفی، جهت‌دار و تلخیصی تقسیم کرد. در تحلیل محتوای عرفی، پژوهشگران از به‌کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود. در این روش محقق براساس ادراک و فهم خود از متن، نوشتن تحلیل اولیه را می‌آغازد و این کار ادامه می‌یابد تا پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رموزها آغاز شود. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی رموزها از متن ظهور یابد و سپس براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی رموزها به صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲). روش مقاله حاضر نیز، تحلیل محتوای کیفی کتاب «نقد قرآن» با رویکرد عرفی است.

۲. معرفی کتاب نقد قرآن

این کتاب چنانکه از نامش پیداست، انتقاداتی به قرآن وارد کرده و جامعترین و مستندترین کتابی که تاکنون در نقد قرآن توسط یک متخصص علوم اسلامی نوشته شده، معرفی شده است. نگارنده تصریح کرده که دکتر ادا دارد ولی «سها» نام واقعی او نیست و مدعی است که درس حوزوی خوانده است. مرکز چاپ و نشر کتاب نامعلوم است. فایل اول این کتاب در سال ۱۳۹۱ و ویراست دوم آن با ظاهری جذاب و قلم روان در سال ۱۳۹۳ به صورت پی‌دی‌اف در ۹۳۴ صفحه منتشر شده است. این کتاب با یک مقدمه شامل معرفی

^۱. Shieh & Shannon.

نویسنده، روش استدلال و منابع نویسنده، در بیست و سه فصل با عناوین مختلف تدوین شده است. فصل بیستم و دوم با عنوان «نتیجه‌گیری نهایی» و فصل بیست و سوم با یک عنوان پرسش قابل تأمل «کدام دین را برگزینیم؟»، پایان می‌یابد. نویسنده «نقد قرآن» تلاش زیادی نموده تا از هر طریق مخاطب را نسبت به حقانیت قرآن مردد کند. گفتنی است این کتاب تقریباً همه شبهات قرآنی را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است. زبان نوشتاری فارسی و تا حدود زیادی مؤدبانه و بدون توهین است (نویسنده خود را خدا باور معرفی می‌کند که به دنبال حقیقت است). به نظر می‌رسد کتاب حاصل کار گروهی و صاحب قلم با اصطلاحات حوزوی و علوم قرآنی آشنا بوده (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۱) و مهمتر آنکه در پایان کتاب همه ادیان را خرافه معرفی کرده و منکر وحی و الهام خدا به بشر می‌شود.

۳. مبانی تفسیر قرآن

در نقد و تحلیل هر اثر تفسیری، در گام اول لازم است مبانی پنهان دیدگاه مؤلف آن اثر به تفصیل تبیین شود. از این رو هر مفسری پیش از ورود به بحث، گریزی از تنقیح دیدگاه خود درباره چگونگی فهم قرآن در کنار تبیین روش‌شناسی تفسیر خود ندارد. در «نقد قرآن» به این مبانی و بنیان‌های پشتیبان شبهات اشاره نشده و نگارنده این مقاله تلاش کرده به کمک روش تحلیل محتوای کیفی به تم‌های اصلی این کتاب دست یابد که بر مبانی طرح شبهات از سوی مؤلف دلالت دارند.

گفتنی است مبانی یا باورهای پایه، تأثیر به‌سزایی در شیوه فهم اصول، قواعد فهم، معیارها و منطق فهم یک متن دارد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۹۰). مبانی و اصول تفسیر، همواره سبب چگونگی رویکرد مفسران در تفسیر و شکل‌گیری روش‌ها و در مواردی گرایش‌ها و قواعد تفسیری مفسران می‌گردد (مؤدب، ۱۳۸۶: ۲۵) و عهده‌دار نظریات کلانی است که اصول و قواعد تفسیر از آن برمی‌خیزد و در چارچوب آن شکل می‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴). در اینجا مراد از مبانی نظری در فهم قرآن، گزاره‌های تعیین‌کننده مسیر فهم

قرآن و طرح شبهات توسط مؤلف است. در این مقاله از «مبانی» تحت عنوان «تم» یاد می‌شود.

۴. فرآیند انجام این پژوهش

مرحله انجام این پژوهش با نمونه‌گیری آغاز می‌شود:

۴-۱. نمونه‌گیری

متداول‌ترین روش در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند است؛ به این معنا که نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که از نظر مسأله و اهداف پژوهش غنی باشند (پتی، تامسون و استیو، ۲۰۱۲، به نقل از مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲: ۲۰۲). جامعه نمونه این پژوهش به صورت هدفمند، ۱۰۰ صفحه ابتدایی از ویراست اول این کتاب است. نمونه غیر تصادفی، نمونه‌ای است که بر اساس احتمالات ریاضی انتخاب نمی‌شود و همه اعضای جامعه، شانس انتخاب شدن در آن را ندارند و محقق بر اساس هدف تحقیق خود، آن مقدار از جامعه آماری مورد مطالعه را که در راستای پرسش‌های تحقیق می‌تواند تأثیرگذار باشند، انتخاب می‌کند. اشباع نظری نیز میزان نمونه‌ها را تعیین می‌کند. «بارنی گلیزر» و «انسلم استراوس»^۱ (۱۹۶۷) اشباع نظری را این‌گونه توضیح می‌دهند: اشباع نظری به وضعیتی اشاره می‌کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را گسترش دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارها و بارها مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان می‌یابد که یک مقوله به کفایت رسیده است (همان: ۲۰۳). در این تحقیق نیز تکرار نشانه‌های مشابه دال بر مفاهیم مربوطه، اشباع نظری را ایجاد کردند.

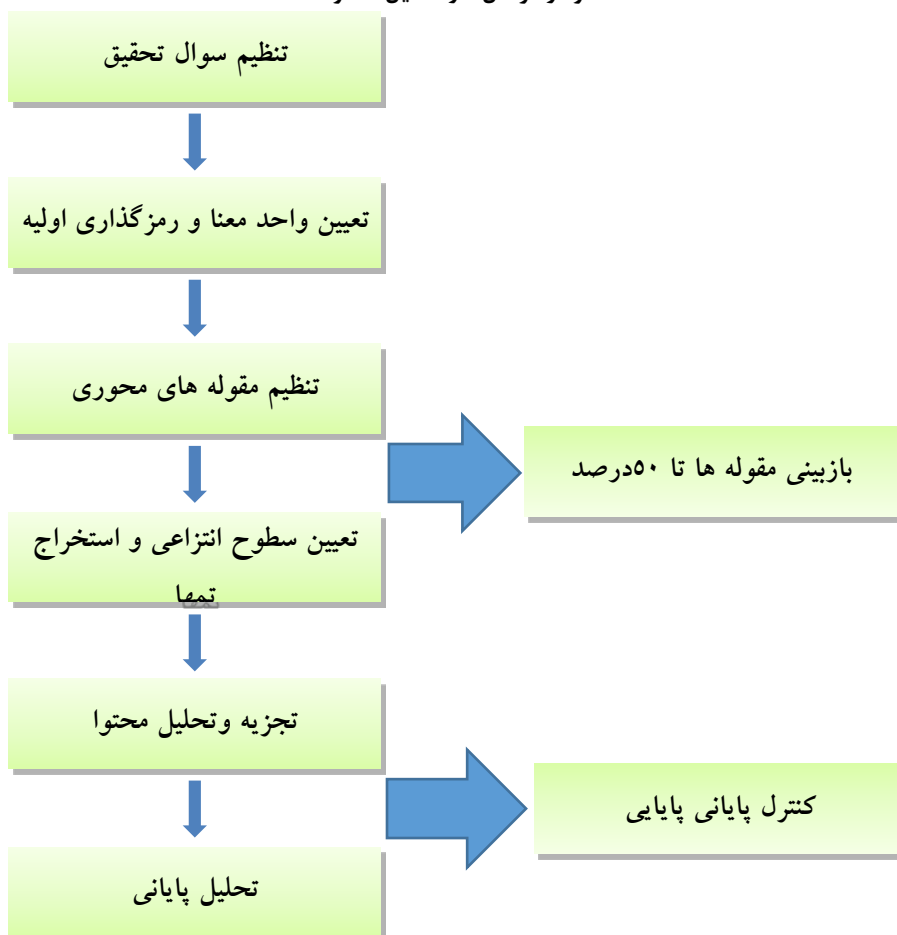
۴-۲. مراحل انجام کار

همان‌گونه که در نمودار زیر نشان داده شده، رمزگذاری و در نتیجه مقوله‌بندی مطالب در تحلیل محتوای عرفی بدون در نظر داشتن هیچ پیشینه تئوریکی، هم‌زمان با مطالعه متن

۱. Anselm Strauss & Barney Glaser

آغاز می‌شود. با توجه به موضوع، مرحله به مرحله به تعیین واحد معنا و فشرده ساختن آن تا تعیین رمز می‌پردازیم و در صورت داشتن زمینه‌ای مشترک، مفاهیم خرد ادغام می‌شوند تا مقوله‌ها تعیین گردند و سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست (تم)، حاصل می‌آید. برای حفظ پایایی، بازبینی مطالب در دو مرحله، یکی پس از اینکه بین ۱۰ الی ۵۰ درصد مقوله‌بندی‌ها تکمیل شد و دیگری در پایان کار صورت می‌پذیرد.

نمودار مراحل کار تحلیل محتوا



روش نگارنده در این کار به این شکل بوده که با در نظر گرفتن روش تحلیل محتوای عرفی، اقدام به یافتن مضامین کرده است. مراحل کار به این ترتیب است:

آماده سازی داده‌ها

در تحلیل محتوای کیفی کتاب «نقد قرآن» از آنجا که خودِ محتوا، متن است، داده‌ها آماده است. نگارنده با دانلود فایل پی‌دی‌اف و پرینت آن، متن مکتوب را آماده کرده است.

تعیین واحد تحلیل (یا کدگذاری)

اینجا واحد تحلیل مفهوم است. واحد تحلیل در این تحقیق از یک جمله شروع می‌شود و تا حداکثر یک پاراگراف می‌تواند واحد تحلیل باشد.

کد گذاری اولیه و ساختن مقولات

چون در اینجا رویکرد استقرایی است، باید مفاهیمی ساخته شود که از خودِ متن استخراج می‌شود. نگارنده با خواندن خط به خط متن کتاب «نقد قرآن»، کدگذاری اولیه انجام داد. بعد از اتمام کدگذاری اولیه و مرور چندباره آن با مطالعه مجدد کدها، برچسب‌های کلی‌تر بر دسته‌ای از کدها قرار داده شد تا اینکه مقولات ساخته و آماده تحلیل شوند.

بررسی پایایی میانی طرح تحقیق

بعد از بررسی ۱۰ الی ۵۰ درصد متن (به این معنا که کدگذاری کیفی انجام شد)، باید بررسی شود که آیا دیگران هم همین کدها را می‌دهند یا خیر؟ در این مرحله پژوهشگر متنی را که کدگذاری کرده، در اختیار یک کارشناس حوزه تفسیر قرار داد. بسیاری از کدهای داده شده به صورت اشتراکی مورد توافق بود. در موارد اختلافی بعد از بحث و گفتگو محقق با کارشناس به اشتراک نظر رسید.

کد گذاری کل متن

پس از اینکه پایایی کدها انجام و اختلافات حل شد (دو نفر بر سر کدها به توافق رسیدند)، کل متن کدگذاری شد.

بررسی پایایی نهایی

پس از کدگذاری کل متن، پایایی نهایی انجام شد تا مقولات یک‌دست شده، متقن شوند.

نتیجه‌گیری

در اینجا مقولات فرعی ادغام شده و مفهوم کلی از آن استخراج می‌شود.

گزارش یافته‌ها

آخرین مرحله ارائه گزارشی از یافته‌هاست که در جدول تنظیم می‌شود.

۵. گزارش یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی صد صفحه اول کتاب نقد قرآن به شرح زیر است:

۵-۱. یافته‌های تحقیق

در گام اول این تحقیق که با مطالعه دقیق صفحه به صفحه متن و مرور چندباره آن انجام شده، نشانه‌ها شناسایی و با ذکر شماره صفحه ثبت شدند. نشانه‌ها یا همان واحدهای معنا، خردترین کدهای تحقیق یا همان عبارات متنی کتابند. تطبیق مستمر نشانه‌ها و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها محقق را به مفاهیم رهنمون می‌شود. مجموع نشانه‌های مشترک با برجسب مفهومی ترکیب شده و مفاهیم را تشکیل می‌دهند. مفاهیم واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۱). از گروه‌بندی مفاهیم، مقولات به دست می‌آید. مقوله‌ها در مقایسه با مفهوم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسات برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند (همان: ۸۲-۸۱). پیوند مقولات با هم، تم‌ها را می‌سازد. تم‌ها بالاترین و انتزاعی‌ترین کدها هستند که مبانی فکری نگارنده یا نگارندگان را نشان می‌دهند. یافته‌های این مقاله یعنی نشانه‌ها، مفاهیم، مقولات و تم‌های پشتیبان شباهت، در جدول‌های زیر قابل مشاهده است:

جدول (۱) مبنای (تم) اول: تفسیر به رأی

نشانه‌ها ^۱ (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
منابع تفسیر قرآن دو چیز بیشتر نیست: قرآن و سنت معتبر. سنن معتبر، شامل: کتب معتبر، احادیث نبی، مخصوصاً صحیحین بخاری و مسلم (سها، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳ و ۸۶).	اتکاء صرف بر منابع خاصی از اهل سنت	بهره‌گیری از منابع غیر معتبر
سنت معتبر شامل سیره رسول الله ابن اسحق و ابن هشام و تاریخ طبری است (همان: ۲۴-۲۳).		
من تفاسیر قدیمی‌تر و متکی بر سنت را ترجیح می‌دهم، چون تفاسیر را از صحابه یا تابعین نقل می‌کنند؛ مثل: تفسیر طبری و تفسیر الدرالمشور (همان: ۳۹).		
قال النبی العلم ثلاثه فما سوی ذلک فهو فضل آیه محکمه أو سنه قائمه أو... (سنن ابن ماجه و سنن ابی داوود) (همان: ۴۴).		
این حدیث در منابع متعدد با اندک تفاوتی آمده؛ از جمله: المستدرک علی صحیحین، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود (همان: ۷۵).		
ادعای تأثیر پیامبر ^(ص) از کتب مقدس یهود و مسیحیان (همان: ۲۹).	استفاده از دیدگاه‌های انحرافی مستشرقان	
همه جای قرآن از نظر زیبایی یکسان نیست. جملات نه چندان زیبا و درهم و برهم فراوان نیز دارد (همان: ۲۷).		
ادعای تکراری‌ترین کتاب بودن قرآن (همان: ۲۸).		
ادعای بی‌نظم‌ترین کتاب بودن قرآن (همان: ۳۱).	پیش‌داوری	تحمیل دیدگاه‌های شخصی
نسبت جعل قرآن به پیامبر ^(ص) (همان: ۳۴).		
بی‌ارتباط دانستن قرآن با خداوند (همان: ۲۵).		
بیشتر آیات قرآن نیازی به تفسیر ندارند و با خواندن می‌توان فهمید، اما در قرآن، ابهام نیز فراوان است (همان: ۳۳).		
ادعای فقدان هدایت بشر و استدلال معتبر بر وجود خدا و معاد و وحی در قرآن (همان: ۲۱).		

^۱ در بخش نشانه‌ها، در اکثر موارد عین عبارت کتاب آورده شده، ولی در مواردی که تعبیرات ناپسند و توهین‌آمیز بود، به جای عین عبارت، عنوان آورده شد تا ساحت مقدس قرآن حفظ گردد.

نشانه‌ها ^۱ (واحدهای معنا)	مفاهیم (واحدهای فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
<p>همه جای قرآن از نظر زیبایی یکسان نیست. جملات نه چندان زیبا و درهم و برهم فراوان نیز دارد. به این موضوع در فصل "خطاهای نوشتاری قرآن" خواهیم پرداخت (همان: ۲۷).</p>		
<p>نسبت بی‌اطلاع بودن پیامبر از امور طبیعی و یکی دانستن ایشان با دیگر مردم (همان: ۶۹).</p>		
<p>روش استدلال این کتاب بسیار ساده است: - کبری: اگر قرآن از خدا باشد، بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است؛ صغری: ادعای وجود خطا و ضعف در قرآن؛ - نتیجه: پس قرآن از خدا نیست. کار این کتاب اثبات صغری است (همان: ۲۳).</p>		
<p>واقعیت تلخ این است که در اکثر قریب به اتفاق موارد، مؤمن و روحانی هیچ دینی نمی‌تواند محقق واقعی در دین خودش باشد (همان: ۳۶).</p>		
<p>مثل هر عالم دینی دیگر، هرگاه به ضعف یا ایرادی در اسلام برخورد می‌کردم با گفتن استغفرالله از آن می‌گذشتم و به خود اجازه نمی‌دادم که در مورد آن بیندیشم و پیوسته در تلاش بوده‌ام که اسلام را به‌عنوان ایده‌آل‌ترین و کامل‌ترین دین معرفی و از آن دفاع کنم و مثل هر عالم دیگری برای دفاع از اسلام به فریب خود و دیگران پرداخته‌ام (همان: ۲۴).</p>	<p>پیش‌فرض‌های غلط</p>	
<p>نوشته‌هایی به زیبایی قرآن و بسیار بهتر از آن، در جهان حاضر وجود دارند، از جمله شعر حافظ که در قله ادبیات جهانست یا مثنوی مولانا (همان: ۲۳).</p>		
<p>به این نتیجه رسیدم که اسلام دینی ضد حقوق بشر است و راه حل معقول و مطلوبی برای اداره جامعه نوین بشری ندارد. بخش اعظم مشکلات امروز جهان اسلام، ریشه در اسلام دارد (همان: ۲۵).</p>		

جدول (۲) مبنای (تم) دوم: کفر یا ارتداد نویسنده

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
بیچاره خدا که این همه تهمت و افتراء و خطا را به او نسبت داده‌اند (همان: ۲۵).	توسیم خدای انسان‌وار	طرح اعتقادات کفر آمیز
گفتم اگر اسلام واقعاً از خدا باشد، نباید در مقابل انسان کوچکی چون من کم بیاورد (همان: ۲۴).		
نهایتاً آنچه انتظارش را نداشتم، پیش آمد: من کافری شدم تمام عیار و عشق چند ده ساله‌ام را در پای علقم قربانی کردم (همان: ۲۵).	اعتراف صریح به کفر	
نسبت ناروا به پیامبر ^(ص) (همان: ۲۵).	نفی عصمت پیامبر ^(ص)	نفی اصول اعتقادی
نسبت کذب به پیامبر ^(ص) (همان: ۳۹).		
بیشتر دانستن خطاهای قرآن در مقایسه با کتاب‌های اندیشمندان بشری (همان: ۲۵).	خطا آمیز دانستن قرآن	
غلط دانستن بیانات قرآن در مورد مشرق و مغرب (همان: ۹۲).		
ادعای وجود بیش از هزار غلط فاحش در قرآن (همان: ۲۵-۲۴).		

جدول (۳) مبنای (تم) سوم: عقلانیت صوری دنیای مدرن

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
علم تجربی حتی اندیشه‌های اخلاقی ما را دگرگون کرده و ما را به اخلاق واقع‌گرایانه‌تری رهنمون کرده (همان: ۴۷).	استناد به علوم انسانی ظنی غربی	ساینیتیزم و علم‌زدگی
برای تحقیق بی‌طرفانه، محقق باید از روی اعتقاد و باور به دین ننگرد. اعتقاد قبلی به چیزی به معنی اینست که شما قبل از تحقیق، قضاوتتان را کرده‌اید. بنابراین تحقیق بعدی چیزی جز تأیید اعتقادات قبلی شما نمی‌زاید. این مطلب از بدیهیات روانشناسی مدرن محسوب می‌شود (همان: ۳۶).		
خطاهائی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند، مربوط به شناخت ما از دنیای پیرامون است که علم تجربی نامیده می‌شود (همان: ۴۰).	تکیه صرف بر علوم تجربی	

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
پیامبر غیر از علم دین را، علم نمی‌داند و بقیه علوم را فضل می‌داند. با توجه به فحوای سخن پیامبر به نظر می‌رسد که منظور وی زیادی بیهوده باشد (همان: ۴۵).		
انصافاً می‌بینید که گلن مراحل ذکر شده توسط قرآن (در مورد مراحل جنین) را با دقت و صحت بیشتر گفته است (همان: ۶۰).		
اگر محمد در جانی از قرآن یا سنت، نیروی جاذبه را مطرح کرده بود، قطعاً کار بزرگی کرده بود؛ مثل نیوتون (همان: ۷۱).		
علم تجربی حقوق غیر عادلانه باستانی را تغییر داد و به جای آن حقوق بشر و حقوق منبعث از آن را نهاد. مثلاً در گذشته بردگان و زنان و بعضی نژادها را مادون انسان قلمداد می‌کردند، اما علم تجربی نشان داد که آنان هم انسان‌هایی هستند مثل ما و دلیلی بر تفاوت حقوق بین انسان‌ها وجود ندارد (همان: ۴۷).		
خطا دانستن گفته‌های قرآن در مورد طبیعت (همان: ۴۸).		
ادعای عدم اطلاع پیامبر ^(ص) و قرآن از دانش تجربی (همان: ۴۸).		
علم تجربی حکومت‌های استبدادی را فروریخت و نشان داد که پادشاهان، روحانیون و نظامیان، برتری خاصی بر دیگر انسان‌ها ندارند؛ بنابراین حق ویژه‌ای برای حکومت بر مردم ندارند (همان: ۴۷).		
دانش‌های غیردینی در اسلام ارزشی ندارند، از جمله علوم تجربی (همان: ۴۶).		
علوم تجربی معتبرترین دانش‌های بشری هستند و دقت و صحت علوم دیگر بستگی به میزان هماهنگی آنان با دانش تجربی است (همان: ۴۶).		
علم تجربی باورهای خرافی بشر را آشکار کرد و امکان نقد ادیان را برای ما فراهم کرد (همان: ۴۶).		
حتی برای تشخیص اینکه کسی که ادعای پیامبری کرده، درست گفته یا دروغ، علم تجربی است که بهترین معیار را به دست می‌دهد (همان: ۴۶).		
کسی که سخنانی گفته که با شواهد تجربی مخالف است، بدیهی است که پیغمبر نیست (همان: ۴۷).		

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
بشر امروز تا میلیاردها سال نوری، ستارگان و کهکشان‌ها را رصد کرده و اثری از آسمان‌های هفتگانه و عرش نیافته است (همان: ۷۹).		
با توجه به این اهمیت فوق‌العاده علم تجربی، عدم شناخت قرآن نسبت به علوم تجربی، یکی از بزرگ‌ترین عیوب قرآن است (همان: ۴۷).		
اگر قرآن از خدا بود، خدا به علوم تجربی و جایگاه آن آگاهی داشت و در کتابش از این بخش اساسی از زندگی انسان غفلت نمی‌کرد (همان: ۴۸).		

جدول (۴) مبنای (تم) چهارم: فقدان پایبندی به استانداردهای علم تفسیر

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
عده‌ای از آیات را با مراجعه به سنت هم نمی‌توان فهمید چون چیز قابل اعتمادی در مورد آنان در سنت نیست (همان: ۳۳).	طرح ادعاهای غیر دقیق و غیر مستند	عدم ارائه مستندات علمی و متقن
من یک محققم. من در همان مدارس دینی که علمای بزرگ اسلامی از آنان برآمده‌اند، سال‌ها درس خوانده‌ام. مطالعاتم را ده‌ها سال و تا آنجا ادامه دادم که در اکثر علوم اسلامی مثل: تفسیر و حدیث و تاریخ اسلام و فقه و فلسفه صاحب نظر شدم و مدتی طولانی مدرس بعضی علوم اسلامی بوده‌ام (همان: ۲۴).		
مبارزطلبی قرآن یک مغالطه است (همان: ۲۲).	طرح ادعای بدون دلیل	
غلط بودن ادعای همه چیز داشتن قرآن بدیهی است (همان: ۲۵).		
نسبت تأثیرپذیری پیامبر (ص) از کتب مقدس یهود و مسیحیان، فرهنگ جاهلیت، زبان عربی و سایر فرهنگ‌ها (همان: ۲۷ و ۳۰).		
نسبت کم محتوا بودن به قرآن (همان: ۲۹).		
محمد تحت تأثیر شدید محیطش، محور اصلی قرآن را مبارزه با بت‌پرستی قرار داده است؛ غافل از اینکه این همه بحث از بت‌پرستی به درد نقاط دیگر جهان و یا آینده بشریت نمی‌خورد (همان: ۳۰).		
عوام پسند بودن مطالب قرآن و فقدان استدلال مناسب و تعمق کافی در آن (همان: ۲۹ و ۲۱).		

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
نسبت جعلی بودن قرآن (همان: ۲۹).		
در مجموع محمد قادر نشده که کتابی فرافرنگی و همگانی بیاورد (همان: ۳۱).		
کل محتوای قرآن را بدون تکرار می‌توان در ۲۰٪ از حجم موجود قرآن جای داد (همان: ۲۸).		
عالمان دینی در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله گذشته حقا به اسلام آبرو داده‌اند (همان: ۳۴).		
تکراری بودن قرآن دلیلی مهم بر کم محتوا بودن قرآن است (همان: ۲۹).		
وجود آسمان‌های هفت‌گانه که مسیر حرکت سیارات هفتگانه (شامل خورشید و ماه) به حساب می‌آمده و همچنین وجود عرش و کرسی (در قرآن آمده)، در دوره جاهلیت قبل از محمد رایج بوده. محمد همان مفاهیم را از محیط بدوی گرفته و وارد قرآن کرده است (همان: ۷۴).		
در مواردی با گذر زمان نظر قرآن تغییر پیدا کرده، مثلاً در ابتدای دعوت توصیه به جنگ نمی‌شد ولی در مدینه، جنگ سر لوحه دعوت محمد قرار گرفت (همان: ۳۵).		
در مواردی حکم‌های قبلی قرآن توسط آیات بعدی نسخ (لغو) شده، مثلاً در ابتدا در مکه، ظاهراً آزادی عقیده مورد قبول قرآن است، اما در مدینه این آزادی عقیده نسخ شده که این نسخ بعدی روی بیش از صد آیه قبلی تأثیر گذاشته است. مشکل اینجاست که در هیچ آیه‌ای ذکر نشده که این نسخ است یا منسوخ (همان: ۳۶-۳۵).	فهم نادرست از ناسخ و منسوخ، شان نزول و حکمت نزول تدریجی قرآن	عدم آشنایی با قواعد علوم قرآنی و تفسیری
یکی از بهترین راه‌های بی بردن به معنی آیه مبهم، توجه به شأن نزول آیه است (همان: ۳۶).		
در بیان مطالب قرآن دقت کافی به کار برده نشده، مثلاً مطلبی را در آیه‌ای به‌طور کلی گفته و چند سال بعد متوجه شده که کلیت آیه قبل غلط بوده؛ بنابراین در آیه‌ای دیگر آن را تخصیص زده است. در بسیاری موارد هم، بی دقتی‌های قبلی اصلاح نشده‌اند.		
واضح است که خروج شیر از بین سرگین و خون، سخن بی‌معنی و غلطی است که نمی‌تواند گفته خدا باشد (همان: ۶۲).		

نشانه‌ها (واحد‌های معنا)	مفاهیم (واحد‌های فشرده)	مقوله‌ها (طبقات اصلی)
آیاتی به مسطح بودن زمین به صراحت اشاره دارند: مانند: والارض بعد ذلک دحیها ترجمه: و (خدا) زمین را بعد از آسمان پهن کرد (همان: ۸۷).	ترجمه تحت اللفظی قرآن (ظاهرگرایی)	
آیه از زمین به طور کلی صحبت کرده و نه قطعه‌ای از زمین، یعنی زمین مسطح است، نه بخشی از آن. در سنت چیزی در مورد این آیه وجود ندارد (همان: ۸۸).		
در آیه (۹ سبأ) آسمان سقفی تصور شده که می‌توان تکه‌ای از آن را کند و بر سر مردم گناهکار کوبید. این مطلب غلط است چون سقفی در ورای زمین وجود ندارد (همان: ۶۵).		
آیه می‌رساند که دلیل حرکت سایه، حرکت خورشید است که تأیید مجدد حرکت خورشید است نه زمین (همان: ۸۳).		
در بیشتر آیاتی که صحبت از حرکت خورشید شده، بحث حرکت خورشید همراه است با بحث روز و شب، که مؤید قطعی بر این است که هدف محمد حرکت روزانه خورشید بوده است (همان: ۸۴).		
در ترجمه‌ای دیدم لغت «مکر» را «تدبیر» معنی کرده، برای اینکه برخلاف قرآن، مکر را به خدا نسبت ندهد. جالب است بسیاری از مترجمان و مفسران دایه‌های دلسوزتر از مادرند و آنقدر بعضی آیات را حکم و اصلاح می‌کنند تا آیه از معنی واقعی‌اش خارج می‌شود (همان: ۳۶).		

۲-۵. تحلیل و نقد یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق در سه محور مفاهیم، مقولات و تم‌ها قابل دسته‌بندی هستند. جداول فوق نشان می‌دهد نشانه‌های استخراج شده از صد صفحه اول این کتاب، تحت مفاهیم ۱۴ گانه قرار می‌گیرند که با پیوند آن‌ها ۷ مقوله و در نهایت ۴ تم استخراج می‌شوند. این مفاهیم عبارتند از:

۲-۵-۱. اتکای صرف بر منابع خاصی از اهل سنت

منابع مورد استناد نگارنده در صفحات مطالعه شده شامل کتبی مانند: «سیره ابن هشام» و «تاریخ طبری»، «تفسیر طبری» و «تفسیر الدر المنثور»، «سنن ابن ماجه» و «سنن ابی داوود» است

که همه از منابع اهل سنت است. تأکید وی بر احادیث پیامبر^(ص) و صحیحین است؛ در حالی که به دلیل تفاوت مبنایی تفاسیر امامیه با اهل سنت، استناد صرف به منابع خاصی از اهل سنت و حجت دانستن قول صحابه و تابعین بدون بررسی سند و محتوای سخن و اثبات اسناد به پیامبر^(ص) قابل پذیرش نیست (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸۴-۲۸۳). برای مثال در تفسیر طبری احادیث ضعیف و اسرائیلیات متعدد دیده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۳۱)؛ علاوه بر آنکه اولاً در کتاب «نقد قرآن» مطالب ضعیف و غیرقابل قبول از نظر بزرگان اهل سنت فراوان است. اهل سنت اساساً این کتاب را قبول ندارند و چنانکه گذشت ضمن نیرنگ و بهتان دانستن آن، در یک کتاب با حجم ۳۶۵۰ صفحه و طی ۲۳ فصل، تمام محتوای آن را به نقد کشیده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ یک از مفسران اهل سنت نیز که به منابع خودشان بسنده کرده‌اند، هیچ‌گاه دیدگاه‌های این کتاب را تایید نمی‌کنند؛ به ویژه آنکه از نظر ایشان نیز صرف دیدن حدیث در کتاب حدیث کفایت نمی‌کند و پیش از استناد به حدیث، بررسی اسناد آن ضروری است و بی‌شک نویسنده کتاب «نقد قرآن» از علم الحدیث بی‌بهره بوده است (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۳۸). از نظر قاطبه دانشمندان اهل سنت، قرآن کریم کتابی مقدس، معجزه جاودان پیامبر^(ص) و شاهد بر حقانیت آن حضرت و به دور از هرگونه خطا و تحریف است. ثانیاً در کتب اهل سنت مطالبی وجود دارد که گرچه از نظر دانشمندان اهل سنت پذیرفتنی است، اما در منابع دیگر مذاهب اسلامی از جمله شیعه، روایات و دیدگاه‌های خلاف آن وجود دارد. از این رو این مفهوم زیر مقوله «بهره‌گیری از منابع غیر معتبر» و در نتیجه تم اصلی آن یعنی «تفسیر به رأی» قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت پراکنده‌گویی و اختلاف اقوال و گاه اقوال متناقض در منابع، زمینه را برای القای تشکیک در اصالت قرآن فراهم می‌کند. بلاشر در این زمینه می‌نویسد: «باید اذعان داشت که هنوز نکات فراوانی در تاریخ قرآن همچنان مبهم و مرموز و از بسیاری جهات دور از دسترس باقی مانده است. البته این واقعیت، بیشتر معلول خصلت مدارکی است که در اختیار ماست و ما مجموعه آن را به طور کلی «سنت» نام می‌دهیم» (بلاشر، ۱۳۷۴: ۱۱). از جمله عوامل به وجودآورنده چنین وضعی در برخی منابع اسلامی، جمع‌آوری تمام اقوال بدون قصد تأیید، فضیلت‌تراشی برای افراد خاص، بزرگ‌نمایی‌ها و از همه مهم‌تر کنار گذاشتن اهل بیت پیامبر^(ص) پس از رحلت

ایشان است. بنابراین در گام اول اعتبار این کتاب از لحاظ منبع، قابل مناقشه و به تبع آن، گزاره‌های منتج از آن «تفسیر به رأی» و بی پایه محسوب می‌شوند.

۲-۲-۵. استفاده از دیدگاه‌های انحرافی مستشرقان

تأثیرپذیری پیامبر^(ص) و قرآن از عهدین و بی‌نظم و بی‌ارتباط دانستن آیات قرآن از اتهامات مستشرقان است. (ر.ک: گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۲۹؛ میر، ۱۳۸۷: ۹۹؛ بلاشر، ۱۳۷۴: ۳۰۱). کتب مستشرقان که منبع برخی شبهات از جمله شبهات فوقند، «منابعی غیر معتبر» هستند و تحت تم «تفسیر به رأی» قرار می‌گیرند که به تصریح روایت پیامبر^(ص) حرام و مرتکب آن در آتش است (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۸: ۱۳۷). غفلت اصلی مستشرقان در مطالعه آثار مسلمانان این است که به نقد و بررسی منابع، روایات و گزارش‌های تاریخی از سوی علما به خصوص علمای شیعه توجه نداشته‌اند (ر.ک: مؤدب و موسوی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۱۶). بررسی صحت و سقم روایات و شواهد تاریخی چه از جهت صحت سند، چه از جهت دلالت و متن و عدم تعارض با صریح قرآن و سنت قطعی پیامبر^(ص) از اصول اولیه الزامی در مطالعات دینی است؛ اما مستشرقان به همه منابع مسلمانان از منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی، ادبی، کلامی و... مراجعه کرده و طبقه‌بندی خاصی از جهت کیفیت اعتبار آن‌ها در نظر نمی‌گیرند (معارف، ۱۳۸۴: ۵۲).

۳-۲-۵. پیش‌داوری

طرح مسائلی مانند: «نسبت جعل قرآن به پیامبر^(ص)»، «کم اطلاع بودن ایشان»، «عدم نیاز بیشتر آیات به تفسیر» یا «وجود ابهام در قرآن» و بالاتر از آن طرح ادعاهایی مانند اینکه «قرآن چیزی برای هدایت ندارد» یا اینکه «اسلام ضد حقوق بشر است»، صرفاً ذهنیت و پیش‌داوری نگارنده و حاکی از نگاه مغرضانه و عدم انصاف در پژوهش و داوری است. این مفهوم زیر مقوله «تحمیل دیدگاه‌های شخصی» قرار می‌گیرد که مصداق «تفسیر به رأی» است. این مفهوم نشان می‌دهد نگارنده بدون تحقیق و با نگاه و نیتی سوء و غرض‌ورزانه با قرآن مواجه شده است. اساساً پیش‌داوری در فهم و تفسیر قرآن اعتباری نداشته و مصداق تفسیر به رأی خواهد بود که بطلان آن آشکار است؛ چه اینکه تمام مدعاهای این کتاب با

رعایت ضوابط و استانداردهای علمی، به تفصیل در کتاب‌های مختلف و آثار پژوهشی متعدد پاسخ داده شده است؛ مانند کتاب «توطئه جدید» تالیف آیت‌الله مکارم شیرازی که یک‌به‌یک مطالب گفته شده از سوی دکتر سها نقد شده و پاسخ داده می‌شود. همچنین آقای رضایی اصفهانی در کتابی با عنوان «بررسی مبانی نقد قرآن دکتر سها» که به تفصیل به شبهات آن پاسخ داده یا کتاب «کشف نیرنگ و رد بهتان در پاسخ به نقد قرآن» از اهل سنت و مقاله‌های پژوهشی متعدد که در پایگاه‌های نورمگز و مگیران قابل مشاهده است، بطلان مباحث کتاب نقد قرآن را آشکار می‌سازد.

۴-۲-۵. پیش‌فرض‌های غلط

بخشی شبهات این کتاب ناشی از پیش‌فرض‌های غلط است. هنگامی که استدلال بر اساس کبری و صغری طراحی می‌شود، گزاره‌های دال بر کبری یا صغری پیش‌فرض‌های استدلال است. برای اثبات استدلال فرضیه‌ها باید صحیح باشند. زمانی که هر یک از این‌ها نادرست باشند، نگارنده در استدلال خود پیش‌فرض غلطی را در دستگاه استدلالش وارد کرده، بنابراین استدلال مغالطه‌آمیز بوده (مظفر، ۱۳۹۴: ۴۸۲) و در نتیجه منجر به «تحمیل دیدگاه‌های شخصی» شده و تحت تم اصلی «تفسیر به رأی» قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیش‌فرض‌های غلط در استدلال، طبیعتاً منجر به نتیجه غلط خواهد شد. در واقع تلاش نگارنده در استدلالش اثبات پیش‌فرض غلط و نه حقیقت‌جویی است. اشکال این نوع استدلال، مغالطه پیش‌فرضی است. در نقد استدلالی که یکی از مقدمات غلط است، می‌توان با توجه دادن مخاطب به نادرستی پیش‌فرض، نتیجه را خدشه‌دار کرد. با اثبات نادرستی پیش‌فرض‌های دکتر سها که در آثار متعدد به انجام رسیده، شبهات نیز رد خواهد شد.

۵-۲-۵. ترسیم خدای انسان‌وار

طرح اعتقادات کفرآمیز همانند ترسیم خدای انسان‌وار با عباراتی نظیر «بیچاره خدا که این همه تهمت و افتراء و خطا را به او نسبت داده‌اند» یا «اگر اسلام واقعاً از خدا باشد، نباید در مقابل انسان کوچکی چون من کم بیاورد»، تحت برجسب مفهومی «طرح اعتقادات کفرآمیز» قرار می‌گیرند که دلالت بر «ارتداد» نگارنده دارند.

۵-۲-۶. اعتراف صریح به کفر

اعتراف صریح نگارنده به کفر هم دلیل روشن بر ارتداد اوست.

۵-۲-۷. نفی عصمت پیامبر (ص)

نسبت کذب به پیامبر (ص) و یا قرآن را نسبت ناروای پیامبر دانستن، مصادیق زیر مقوله «نفی اصول اعتقادی» آمیزند که بر «ارتداد» نگارنده گواهی می‌دهند. طبق ادله درون دینی، پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع) به واسطه عنایت الهی از هرگونه خطا و سهو و نسیان در امانند و عصمت ایشان از مسلمات اعتقادی شیعه است. همچنین در بعضی روایات به دانش برتر امامان معصوم (ع) تصریح شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «از برای خدا دو علم است: علمی که در اختیار ملائکه و انبیاء و رسل قرار داده که آن علم نزد ما است و علمی که آن را مخصوص به خود قرار داده و هنگامی که در آن بداء حاصل شود، ما را از آن آگاه خواهد ساخت و امامان پیش از ما نیز از آن آگاه بودند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵۵).

۵-۲-۸. خطاآمیز دانستن قرآن

خطاآمیز دانستن قرآن نیز از مصادیق نفی اصول اعتقادی است که بر ارتداد نگارنده گواهی می‌دهد. بنا به تصریح قرآن هیچ باطلی بدان راه نمی‌یابد (فصلت / ۴۲). موارد فوق یعنی تلقی خصوصیات انسانی برای خداوند یا نفی عصمت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن، حکایت از «ارتداد» نگارنده یا نگارندگان این کتاب دارد. از شروط اصلی مفسر قرآن، ایمان به خدای یگانه و اعتقاد به اصول دین از جمله نبوت پیامبر (ص) و اعجاز قرآن است. هنگامی که وی از دایره ایمان خارج شود، سخنان وی نیز از اعتبار علمی و دینی برخوردار نخواهد بود.

۵-۲-۹. استناد به علوم انسانی غربی ظنی

تأکید نگارنده بر منقولات روان‌شناسی مدرن غربی و بدیهی تلقی کردن آن و قرار دادنش به عنوان معیار سنجش صحیح از سقیم، از تکیه‌گاه‌های نگارنده در استدلال است.

۵-۲-۱۰. تکیه صرف بر علوم تجربی

از منظر نگارنده یافته‌های علم تجربی اصالت دارند و دانشمندان و یافته‌های علمی‌شان

از اعتبار خاصی برخوردارند؛ تا جایی که نگارنده حتی برای اثبات صدق و کذب مدعی نبوت، علم تجربی را بهترین معیار می‌داند. این مفهوم و مفهوم قلبی هر دو تحت مقوله «علم‌زدگی و ساینیتیزم» قرار می‌گیرند که ویژگی دنیای مدرن غربی در قرن معاصر است. موارد فوق اولاً ناشی از مسلم و قطعی پنداشتن تمام یافته‌های علوم تجربی و ثانیاً تسری دادن خطاهای علمی واقع در عهدین به قرآن است. در کتاب مقدس (عهدین) گزاره‌هایی وجود دارد که به هیچ عنوان قابل جمع با دست‌آوردهای علمی آن زمان نبود. گزاره‌هایی از قبیل: آفرینش جهان و مراحل آن زمین، تاریخ پیدایش انسان در روی زمین، داستان طوفان نوح (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۴۶).

توجه صرف به علوم تجربی و علوم انسانی غربی که در آثار روشنفکرانی غرب‌زده مانند سروش نیز دیده می‌شود، شالوده‌های عقلانیت صوری دنیای مدرن را تشکیل می‌دهند که در منابع تفسیری به این شکل جایگاهی ندارند. سروش اصالت علوم تجربی در جهان امروز را گریزناپذیر دانسته و می‌نویسد: «اگر دین را بهترین تجلی‌گاه جهان ماقبل مدرن بدانیم، علم جدید بهترین تجلی‌گاه خرد و عقلانیت مدرن است. حقیقتاً علم تجربی مدرن، مدار و محور جهان جدید است. همانطور که جهان قدیم به بهترین نحو در دینی که از آن دوران به یادگار مانده، تجلی کرده و به همین دلیل است که امروز علم و دین با هم مقابله و معارضه پیدا کرده‌اند. مسئولیت علم، این است که هرچه بیشتر از این عالم، راز زدایی کند و به ما بیاموزد که آنچه را که پیشتر به مدد نیروهای غیبی و نامرئی توجیه می‌کردیم، امروزه می‌توانیم به مدد قوانین تجربی، تأییدپذیر و ابطال‌پذیر توجیه کنیم، بدون آنکه چندان نیازی به چنان عوامل و نیروهای غیبی داشته باشیم» (سروش، ۱۳۷۹: ۳۵۹-۳۵۸). این علم‌زدگی و بها دادن به عقلانیت انسان، از اومانیزم و اصالت انسان در تمام ابعاد زندگانی نشئت گرفته که با جهان‌بینی و حیانی در تعارض است. علوم و یافته‌های انسانی تنها با رعایت شروط و ضوابطی می‌توانند برای فهم قرآن به استخدام درآیند که در جای خود گفته شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱: ۴۱۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۸).

۵-۲-۱۱. طرح ادعاهای غیردقیق

بسیاری از ادعاهای کتاب نقد قرآن غیردقیق و یا کلی است. نگارنده این کتاب خود را معرفی نکرده و اعتراف می‌کند اسم روی جلد مُستعار است. او به صورت کلی ادعا می‌کند تعدادی از آیات را با مراجعه به سنت هم نمی‌توان فهمید، چون چیز قابل اعتمادی در مورد آنان در سنت نیست، ولی مورد آیه را مشخص نمی‌کند.

اولاً بی‌نام و نشان بودن نگارنده این کتاب نقضی آشکار است. بدیهی است در یک مناظره علمی، شناخت شخصیت، آثار و رتبه علمی فرد در نحوه استدلال موثر خواهد بود؛ ضمن آنکه وی خود را صاحب نظر علوم اسلامی معرفی کرده! ولی مستندی بر ادعای خود ندارد. ثانیاً: بی‌شک در هرگونه مباحثه علمی طرح ادعاهای غیردقیق، مبهم، کلی و شائبه‌برانگیز تحت مقوله «عدم استناد به مستندات دقیق و متقن» قرار گرفته و از آن، عدم پایبندی مفسر به قواعد مباحثات علمی به صورت عام و قواعد علم تفسیر به صورت خاص منتج خواهد شد و یافته مستند به آن علمی نخواهد بود.

۵-۲-۱۲. طرح ادعای بدون دلیل

بسیاری از ادعاهای کتاب نقد قرآن بدون دلیل و مستند است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۴۷) و نگارنده آن‌ها را قطعی و مسلم پنداشته و از آن نتیجه دلخواه خود را گرفته؛ مانند «بیشتر بودن خطاهای قرآن نسبت به کتاب‌های اندیشمندان بشری» یا «جا دادن کل محتوای بدون تکرار قرآن در ۲۰ درصد از حجم موجود قرآن». نگارنده در بیان عبارات اخیر، منطق و دلیل خود را در این زمینه بیان نمی‌کند. برای مثال برای این ادعا که قرآن تحت تأثیر فرهنگ زمان نزول یا عهدین قرار گرفته، مستند علمی نمی‌آورد. ضمن اینکه اگر مفسران آیاتی از قرآن مانند هفت آسمان را مطابق یافته‌های علمی زمان خود تفسیر کرده و به مرور زمان آن یافته‌ها منسوخ شده‌اند، دلیل بر وجود خطای علمی در قرآن نمی‌شود (ر.ک: رضایی و میرعرب، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۶).

به نظر می‌رسد گاه خودشیفتگی و غرور علمی به فرد اجازه می‌دهد با طرح ادعاهای غیردقیق یا بدون دلیل، تمام بنیان‌های اعتقادی را کنار زند و راه کفر در پیش گیرد. شاهد

اینکه مؤلف «نقد قرآن»، خودش را صاحب نظر در اکثر علوم اسلامی مثل تفسیر و حدیث و تاریخ می‌داند (سها، ۱۳۹۱: ۲۴)، بدون اینکه احتمال در صدی از خطا برای آرای خود در نظر بگیرد. یافته‌های حاصل از این مفهوم نیز همانند مفهوم قبل، علمی و قابل قبول نخواهند بود.

۵-۲-۱۳. فهم نادرست از ناسخ و منسوخ، شأن نزول و حکمت نزول تدریجی قرآن

از عبارات صریح کتاب نقد قرآن به دست می‌آید که دکتر سها فهم درستی از مباحثی از علوم قرآن مانند «ناسخ و منسوخ» ندارد. از نظر او مشکل اینجاست که در هیچ آیه‌ای ذکر نشده که این ناسخ است یا منسوخ. یا وی تناسب آیات نازل شده با شرایط زمانی و قوت و ضعف مسلمانان را تغییر نظر قرآن می‌داند. چنین ادعاهایی حاکی از «عدم آشنایی نگارنده با قواعد علوم قرآنی و تفسیری» است که در نتیجه ثابت می‌کند نگارنده به استانداردهای علم تفسیر پایبند نبوده است.

۵-۲-۱۴. ترجمه تحت‌اللفظی قرآن (ظاهرگرایی)

بخشی از شبهات نقد قرآن ناشی از ترجمه «تحت‌اللفظی قرآن»، ظاهرگرایی و عدم توجه به قواعد فهم قرآن است. وی می‌نویسد: «واضح است که خروج شیر از بین سرگین و خون، سخن بی‌معنی و غلطی است که نمی‌تواند گفته خدا باشد». شکی نیست که «عدم آشنایی با قواعد علوم قرآنی و تفسیری» بزرگترین اشکال نگارنده است که منشأ بسیاری از شبهات شده است. تصریح بزرگان دین این است که مفسر باید احاطه بر علوم خاص داشته باشد تا بتواند وارد تفسیر قرآن شود. ادعاهای فوق ناشی از «عدم آگاهی نگارنده با اصول و قواعد ترجمه و تفسیر» است. بدیهی است که مراد آیه «لُتَقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا» (نحل / ۶۶)، خروج شیر از بین سرگین و خون نیست، بلکه اشاره به فرآیند تولید شیر در بدن حیوان دارد. این شبهه ناشی از ترجمه تحت‌اللفظی آیه و اکتفا به معنای ظاهری تعبیر است.

نکته مهم اینکه با استناد به این مفاهیم به صورت مشترک می‌توان بسیاری از شبهات این کتاب را بدون ورود به پاسخ موردی به شبهه و به شکل مبنایی جواب داد؛ به این صورت که

چون مفاهیم و مقولات برچسب‌های معنایی کلی هستند، شامل مصادیق متعددند و هنگامی که ضعف و سستی آن مفاهیم و مقولات آشکار شود، طبیعتاً آن مصادیق یا همان شبهات نیز مردود خواهند بود. برای مثال هنگامی که ثابت شود نویسنده این کتاب از جرگه دین اسلام خارج شده و عصمت پیامبر^(ص)، نبوت ایشان و حقانیت قرآن را نمی‌پذیرد، بدیهی است که ادعاهای وی از جمله شبهات مطرح در ۸۰۰ صفحه بعدی نیز کفرآمیز، غیرعلمی و غیرقابل قبول خواهد بود. همچنین سایر ادعاهای نگارنده اگر صرفاً نقل از منابع اهل سنت باشد، باید صحت و سقم مطلب نقل شده بررسی شود. ضمن اینکه قول صحابه یا تابعی بدون انتساب به پیامبر^(ص) دلیل بر پذیرش سخن و صدور حکم بر اساس آن نیست. نیز تمام شبهاتی که متأثر از دیدگاه مستشرقان باشد، با دلایلی که گذشت، مردود است. شبهاتی هم که کلی و غیردقیق بوده یا صرفاً ادعایی باشند، بدون مستند و داشتن دلیل متقن، اعتبار علمی نداشته و قابل اعتنا نیستند. علاوه بر آنکه در استدلال علمی به‌ویژه درباره کتاب مقدسی همچون قرآن، محقق باید با پیش‌فرض‌های صحیح و منطبق با چارچوب اعتقادی وارد تفسیر شود (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۶۲-۳۵۴)، درحالی که نگارنده «نقد قرآن»، به غلط، این اصل را آسیب فهم قرآن معرفی می‌کند (سها، ۱۳۹۱: ۳۷).

اساساً در دستگاه استدلال منطقی و چیدن کبری و صغری و نتیجه‌گیری شبهه، گرچه شکل ظاهری استدلال درست است، اما زمانی که هر یک از مقدمات استدلال یا همان پیش‌فرض‌ها غلط باشند، بی‌نهایت استدلال نامعتبر و یا همان شبهه قابل تصور است و در کتاب «نقد قرآن» نیز همین رویه دیده می‌شود. در این گونه موارد از طریق آشکار کردن غلط بودن پیش‌فرض‌ها، نتایج حاصله یا شبهات نیز باطل خواهند شد.

همچنین نیاز مفسر به علوم، قواعد و اصولی برای تفسیر صحیح امری مسلم و قطعی است (ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۵۳-۶۱؛ همان: ۳۷۳-۳۱۷). لذا هر شبهه‌ای که ناشی از عدم اطلاع نگارنده از قواعد علوم قرآنی یا تفسیری باشد، مانند ترجمه تحت‌اللفظی و بسنده کردن به ظاهر آیات بر اساس معنای لغت، بدون در نظر گرفتن قواعد ترجمه و تفسیر بی‌اساس است.

نتیجه

نقد قرآن نوشته دکتر سُها کتابی است که تمام شبهات موجود درباره قرآن را در یک مجموعه گردآوری کرده است. نام نویسنده مستعاری است. تاکنون بر این کتاب نقدهایی نوشته شده که رویکرد آنان پاسخ‌گویی محتوایی به شبهات است. به روش تحلیل محتوای کیفی، می‌توان مضامین نهفته و ناپیدای کتاب نقد قرآن را کشف و توصیف کرد. تحلیل محتوای کیفی کتاب نقد قرآن نشان می‌دهد مفاهیم، مقوله‌ها و تم‌هایی که ظاهر متن بدان دلالت ندارد، در لایه‌های پنهانی متن وجود دارد که خواننده در مطالعه اولیه و بدون تأمل متوجه آن‌ها نخواهد شد. این مبانی فکری، شبهات را پشتیبانی می‌کنند. شناسایی و نقد این مبانی، مسیر پاسخگویی به شبهات را آسان ساخته و شمولیت خواهد داشت.

برآیند این تحقیق آن است که چهار مقوله تفسیر به رأی، ارتداد نویسنده، عقلانیت صوری دنیای مدرن و فقدان استانداردهای علمی، مبانی تمام شبهات این کتاب را تشکیل می‌دهد. مهمترین اشکال مبانی اول یعنی تفسیر به رأی، بهره‌گیری از منابع غیرمعتبر و تحمیل دیدگاه‌های شخصی است. نیز طرح اعتقادات کفرآمیز و نفی اصول اعتقادی، حاکی از ارتداد نویسنده و خروج وی از دین اسلام است که موجب می‌شود آرای وی در این کتاب مردود اعلام شود. ساینیتیزم و علم‌زدگی ناشی از غرب‌زدگی، سبب حاکمیت عقلانیت صوری دنیای مدرن بر تفکر نویسنده کتاب شده که مبانی سوم شبهات را تشکیل می‌دهد. همچنین عدم ارائه مستندات علمی و متقن و عدم آشنایی نویسنده با قواعد علوم قرآنی و تفسیری، مبانی چهارم شبهات این کتاب است. خدشه‌دار بودن این چهار مبنا، پایه تمام شبهات را متزلزل می‌سازد. مناسب است در پژوهش‌های بعدی از رویکردهای دیگر تحلیل محتوای کیفی از جمله رویکرد تلخیصی استفاده شود تا شبکه معنایی مفاهیم به کاررفته در این کتاب و فراوانی آنان آشکار شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ایمان، محمدتقی و محمدرضا نوشادی. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». پژوهش. سال سوم. شماره ۲. صص: ۴۴-۱۵.
۳. بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۲). مکاتب تفسیری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بابایی، علی اکبر؛ غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد. (۱۳۷۹). روش‌شناسی تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بلاشر، رژیس. (۱۳۷۴). در آستانه قرآن. ترجمه محمد رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. جمعی از نویسندگان. (بی تا). کشف نیرنگ و رد بهتان در پاسخ به نقد قرآن. بی جا: گروه عبادالرحمن.
۷. دانایی فرد، حسن و سیدمجتبی امامی. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد». اندیشه مدیریت. سال اول. شماره ۲. صص: ۹۷-۶۹.
۸. درانی، کمال. (۱۳۷۴). «درآمدی بر تجزیه و تحلیل محتوا (فن تعبیر و تفسیر نظارتی)». دانش مدیریت. شماره ۳۱ و ۳۲. صص: ۳۴-۲۵.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳). درآمدی بر تفسیر علمی قرآن. تهران: اسوه.
۱۰. _____ . (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز قرآن. رشت: کتاب مبین.
۱۱. _____ . (۱۳۹۴). بررسی مبانی کتاب نقد قرآن دکتر سها. قم: پژوهش‌های تفسیر قرآن.
۱۲. رضایی، حسین و فرج‌الله میرعرب. (۱۳۹۸). «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث. سال شانزدهم. شماره ۳. صص: ۲۸-۱.
۱۳. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۹). بسط تجربه نبوی. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۱۴. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. سها. (۱۳۹۱). نقد قرآن. چاپ اول. بی جا: بی نا.
۱۶. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۵). «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۸. صص: ۱۱۴-۹۱.
۱۷. عاملی، حر. (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مهر، تحقیق موسسه آل‌البیت.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. گلدزیهر، ایگناس. (۱۳۸۳). **گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان**. ترجمه سیدناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.
۲۰. مظفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). **المنطق**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. معارف، مجید. (۱۳۸۴). «درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن». **پژوهش دینی**. شماره ۹. صص: ۴۱-۶۲.
۲۲. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). **تفسیر و مفسران**. قم: التمهید.
۲۳. _____ . (۱۳۸۱). **علوم قرآنی**. قم: التمهید.
۲۴. مؤدب، سیدرضا و سیدمحمد موسوی مقدم. (۱۳۸۷). «دایرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه». **شیعه‌شناسی**. سال ششم. شماره ۲۳. صص: ۱۴۴-۱۰۵.
۲۵. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۶). **مبانی تفسیر قرآن**. قم: دانشگاه قم.
۲۶. مؤمنی‌راد، اکبر. (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش، ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج». **اندازه‌گیری تربیتی**. شماره ۱۴. صص: ۱۸۷-۲۲۲.
۲۷. میر، مستنصر. (۱۳۸۷). «قرآن به مثابه اثری ادبی». **مجموعه مقالات ادبیات قرآن**. ترجمه محمدحسن محمدی مظفر. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۸. واعظی، احمد. (۱۳۹۲). **نظریه تفسیر متن**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.